**جلسه220 – 06/ 07/ 1398 قضیه سمره /نقل های قاعده /قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

متن خلاصه ...

بحث درباره این بود که آیا می توان به وسیله استقصاء راویانی که با نام بین دو روای، متوسط شده اند، وضعیت مواردی که بین دو راوی ارسال وجود دارد را روشن کرد. به این نحو که اگر تمام راویان متوسطِ با نام، ثقه باشند قطع یا اطمینان به اعتبار راوی مجهول ایجاد شود. در جلسات گذشته بیان شد: می توان با این روش از مشکل ارسال خارج شد.

## تأثیر عامل گزینش روایات در تصحیح روایات مرسل

این پرسش مطرح شد آیا می توان با توجه به پالایش احادیث، باز این نتیجه گیری صحیح است؟ این سوال را می توان به نحو عام تری طرح کرد. به این بیان که تردیدی نیست برخی از روایات به دست ما نرسیده و نوعی گزینش در نقل روایات وجود داشته است. با توجه به این گزینش، آیا می توان نسبت بین روایان ثقه و ضعیف متوسط بین دو راوی در روایات موجود را به کل راویان متوسط بین دو راوی، تسرّی داد؟ به عبارتی دیگر، آیا نسبت عاملی که باعث شده برخی از روایات نقل نشود، به روایات ضعیف و غیر ضعیف یکسان است؟ اگر نسبت این عامل یکسان باشد، از سند روایات موجود می توان کل روایات را آمار گیری کرد. اما امکان دارد عامل حذف برخی از روایات، بیشتر شامل روایات ضعیف باشد که در این صورت، در روایات محذوف بر خلاف روایات موجود، نسبت روایات ضعیف بیش از روایات معتبر خواهد بود. با توجه به این احتمال دیگر نمی توان با توجه به روایات موجود، نسبت به کل روایات اظهار نظر کرد.

عین همین سوال درباره مشایخ ابن ابی عمیر نیز وجود دارد. به این بیان که اگر پس از بررسی مشایخ ابن ابی عمیر به این نتیجه رسیدیم که از صد شیخ او، 98 شیخ ثقه بوده و دو شیخ ضعیف است. در این آمار گیری نسبت مشایخ ضعیف ابن ابی عمیر به کل مشایخ او در روایات موجود، دو درصد است. اما امکان دارد در اصل این نسبت مثلا ده درصد باشد و 8 درصد در اثر عامل گزینش مانند پالایش حدیث حذف شده باشد. به این نحو که عامل گزینش بیشتر روایات ضعیف را حذف می کرده است. پس هر چند نسبت مشایخ ضعیف در روایات موجود دو درصد است و عقلا به این دو درصد اعتنا نمی کنند اما این نسبت در کل روایات، 10 درصد است و عقلا به این میزان احتمال، اعتنا می کنند.

بررسی این اشکال وابسته به کار مفصل و جدی درباره نحوه حذف روایات و عدم نقل روایات و گزینش بین آنهاست که چه عواملی باعث انتخاب برخی از روایات و نقل آنها و کنار گذاشتن برخی دیگر از روایات و عدم نقل آنها، شده است؟

## شبهه عدم جواز تمسک به اطلاقات و عمومات

 این بحث در موارد متعددی تأثیر دارد. مانند دلیلی که اصولی ها به نفع اخباری ها برای اصل احتیاط اقامه کرده اند. مطابق این دلیل، تمسک به عمومات و اطلاقات به علت علم اجمالی به مخصصات و مقیداتی که به دست ما نرسیده، جایز نیست. پاسخ به این دلیل وابسته به مقدار معلوم بالاجمال است که به چه میزان از مخصصات و مقیدات به دست ما نرسیده است که شناخت عوامل گزینش بین روایات، در کشف مقدار معلوم بالاجمال مؤثر است.

### پاسخ: نقل مضمون بیشتر روایات

مقایسه برخی از کتب موجود با مصادر موجود آنها، می تواند پاسخی به شبهه مذکور باشد. مثلا شیخ صدوق در ابواب السفر کناب الحج فقیه، از محاسن روایات زیادی را نقل کرده و ترتیب باب ها و عناوین آنها همگی مطابق محاسن است که نشان می دهد منبع فقیه در این ابواب، محاسن برقی است. یا کافی به خصوص در جلد 5 و 6 از محاسن برقی بسیار نقل کرده گاه با تصریح به احمد بن محمد برقی و گاه بدون تصریح. در جلد اول کافی نیز از بصائر الدرجات روایات زیادی وجود دارد.

برای فهمیدن عامل گزینش و حذف روایات، می توان روایات موجود در کتبی مانند کافی را با مصادر اولیه آنها مقایسه کرد و دید چه میزان از روایات مصدر، حذف شده و آیا بین موارد حذف شده، نکته مشترکی وجود دارد؟

با مقایسه، به دست می آید در بیشتر موارد، مضامین تازه و جدید نقل شده و غالب موارد حذف شده، دارای مضمونی تکراری بوده اند. مثلا در محاسن برقی، 40 روایت در یک باب وجود دارد که در ده مضمون هستند. در کافی از 40 روایت، 20 روایت نقل شده است. این 20 روایت، نسبت به 40 روایت، 9 مضمون را نقل کرده است. هر چند در کافی، از نظر تعداد روایات، 50 درصد روایات مصدر اصلی (محاسن) نقل نشده است اما این 50 درصد نقل شده، 90 درصد مضامین روایات موجود در محاسن را منتقل کرده است.

با توجه به این نکته می توان وجود علم اجمالی به مخصصات و مقیدات به نحوی که مانع تمسک به عمومات و اطلاقات باشد را انکار کرد.

این پاسخ هر چند در بحث اصل احتیاط صحیح است اما در بحث حاضر که اخراج روایت مرسل از ارسال باشد، قابل تطبیق نیست زیرا مدار بحث در تقریب علم اجمالی برای اثبات اصل احتیاط، مضمون روایات است اما محور بحث حاضر نفس سند است نه مضمون روایت. در نتیجه هر چند پس از حذف 20 روایت از 40 روایت، مضامین روایات منتقل شده است، اما نیمی از اسناد حذف شده است. در این صورت احتمال دارد مرحوم کلینی از 40 روایت، تنها 20 روایات معتبر را نقل کرده و روایات ضعیف را از مصدر اصلی (مثل محاسن) منتقل نکرده باشد. در نتیجه، درصد روایات ضعیف در کافی بسیار کمتر از درصد روایات ضعیف در مصدر اصلی خواهد بود.

برای حل مشکل، باید روایات حذف شده را ملاحظه کرد و بررسی کرد توجه به سند در حذف روایت، به چه میزان بوده است؟ و آیا عامل گزینش، بیشتر جنبه مضمونی داشته یا بیشتر جنبه سندی داشته است؟ اگر عامل گزینش بیشتر جنبه سندی داشته و به صحت و سقم سند در هنگام گزینش، بیشتر دقت شده باشد، رابطه عامل حذف با روایات ضعیف پررنگ تر خواهد بود و در نتیجه گزینش باعث می شود، بیشتر روایت راویان ضعیف نقل نشود.

## هماهنگ بودن روایات ضعیف برقی در محاسن و کافی

بحث به زاویه دید دیگری که در بحث مرسله محمد بن خالد برقی از بعض اصحابنا از عبد الله بن مسکان نیز تأثیر گذار است، پی گرفته شد. بدین نحو که تمام روایات محمد بن خالد برقی که در محاسن به تعبیر عن ابیه آمده است،[[1]](#footnote-1) مورد بررسی قرار گرفت تا روشن شود چه میزان از مرسلات و افراد ضعیف در روایات محمد بن خالد برقی در محاسن وجود دارد. مراد از راویان ضعیف نیز روایان توثیق نشده مطابق نظر مختار است و راویانی مانند محمد بن سنان که به نظر مختار، ثقه هستند، خارج از آمار راویان ضعیف است. شبیه به این کار در کافی با توجه به آمار موجود در برنامه درایه النور انجام شد که در این آمارگیری تمام روایات محمد بن خالد برقی در کافی چه احمد بن محمد بن خالد از او نقل کرده و چه راویان دیگری از او نقل کرده باشند، وجود دارد هر چند حدود 95 درصد روایات محمد بن خالد برقی در کافی، به واسطه احمد بن محمد بن خالد است.

هدف از این آمار گیری این است که مشاهده شود چند درصد از روایات محمد بن خالد برقی در کافی ضعیف است و چند درصد از روایات محمد بن خالد برقی در محاسن ضعیف است و آیا عاملی که باعث گزینش شیخ کلینی از محاسن شده، باعث شده آمار راویان ضعیف در کافی از محاسن کاهش پیدا کرده باشد؟ اگر عامل حذف و گزینش، با توجه به سند باشد باید تعداد راویان ضعیف در کافی کمتر از محاسن باشد.

پس از آمار گیری از محاسن و کافی و مقایسه این دو آمار، نتیجه جالبی به دست آمد. به این نحو که درصد روایات مرسل و ضعیف برقی در کافی نه تنها کمتر از درصد آنها در محاسن نیست، بلکه این درصد در کافی بیشتر است. کل روایات محاسن برقی عن ابیه، 733 روایت است که 121 روایت از راوی ضعیف یا راوی که قرینه ای بر توثیق او وجود ندارد و مرسلات است.(حدود 16 درصد) در کافی کل روایات محمد بن خالد برقی 544 روایت است که تعداد روایات ضعیف، مرسل و من لم یثبت توثیقه، 121 روایت (22 درصد) است. البته این آمار با توجه به آمار برنامه درایه النور است که در این آمار، روایات تکراری در کافی را نیز در بر می گیرد اما در درصدها این روایات تکراری، تأثیر جدی ندارد.

 علت اصلی این تفاوت بین کافی و محاسن، ابو البختری است که در کافی 20 بار تکرار شده در حالی در محاسن برقی تنها سه مورد است. راوی اصلی کتاب ابو البختری، محمد بن خالد برقی است و بیشتر روایات ابو البختری جنبه فقهی دارد در حالی که زاویه دید احمد بن ابی عبد الله در محاسن، نگاه غیر فقهی است. با حذف ابو البختری از آمارها، روایات محمد بن خالد برقی در کافی 524 روایت و تعداد روایات ضعیف، 101 روایت خواهد بود (حدود 19.5 درصد) و روایت محمد بن خالد در محاسن 730 و روایت ضعیف 118 روایت است. (حدود 16 درصد) با حذف ابو البختری، حدود 3 درصد از آمار روایات ضعیف محمد بن خالد در کافی، کاهش پیدا می کند.

نسبت به خصوص مرسلات، آمار مرسلات محمد بن خالد برقی در کافی و محاسن بسیار نزدیک است. کل روایات محاسن 733 روایت و خصوص مرسلات 57 روایت (8 درصد) کل روایات کافی از محمد بن خالد برقی 544 روایت و خصوص مرسلات 46 (8.5 درصد).

نتیجه این آمار گیری این است که در انتخاب روایات به سند توجه نشده و بیشتر به متون دقت شده است. پس عامل حذف، موجب حذف بیشتر روایات ضعیف و مرسل نشده است.

نکته انتخاب محاسن برقی، جامع نگار بودن محاسن برقی و صحیح نگار بودن کافی است و علی القاعده کافی باید روایات صحیح محاسن را انتخاب کرده باشد. در حالی که با توجه به نتیجه به دست آمده، صحیح نگاری، اثر جدی در اسناد نداشته است.

شبیه همین روش در صدوق تطبیق می شود. برای این مطلب، واسطه بین محمد بن خالد برقی و ابن مسکان در کافی و کتب صدوق مقایسه شد که بین این دو، تفاوت جدی وجود نداشت.

## عدم امکان تصحیح سندی روایات کافی با توجه به شهادت کلینی

این دید، در برخی از مباحث رجالی تأثیر گذار است. به عنوان نمونه، برخی از شهادت شیخ کلینی در مقدمه کافی برداشت کرده اند، روایات کافی همگی صحیح است. با بحث اخیر، روشن می شود تصحیح کلینی نسبت به روایات کافی، تصحیح سندی نیست و نمی توان گفت: تمام روایات کافی از نظر سندی صحیح است و اگر صحت سند روایتی از روایات کافی برای ما روشن نبود، با تمسک به این شهادت کلینی، حکم به صحت سند این روایت می شود. البته حاج آقای والد اعتقاد دارد روایت متفرد در باب با شهادت شیخ کلینی، تصحیح می شود که این کلام، متفاوت از ادعای تصحیح تمام روایات کافی است. در نتیجه مرحوم کلینی در مقام تصحیح سندی تک تک روایات کافی نیست.

## عدم صحت توثیق تمام راویان کامل الزیارات

 شبیه به این کلام، در کامل الزیارات نیز وجود دارد به این بیان که اگر بنای مرحوم ابن قولویه بر تصحیح سندی تک تک روایات کامل الزیارات باشد، باید به طور طبیعی میزان روایات راویان ثابت الوثاقه، درصد بالاتری از متعارف داشته باشد. زیرا فرض آن است که ابن قولویه در صدد انتخاب خصوص روایت راویان ثقه است و بسیار بعید است ابن قولویه در تمام موارد با دیگران در وثاقت اختلاف داشته باشد و اگر چنین اختلاف جدی نیز وجود داشته باشد، شهادت ابن قولویه در تصحیح سندی روایات کامل الزیارات زیر سؤال می رود.

با بررسی سندی روایات کامل الزیارات، مشخص می شود نه تنها روایات صحیح کامل الزیارات بیش از متعارف نیست بلکه این میزان کمتر از متعارف است. در حالی که اگر ابن قولویه در صدد توثیق تمام سلسله سند بود، باید میزان راویان ثقه در کامل الزیارات بیش از سایر کتب می بود ولی تعداد راویان ثقه در کامل الزیارات، کمتر از سایر کتب است و علت آن نیز استحبابی بودن روایات وارد شده در کامل الزیارات و عدم تقید به سند در روایات استحبابی است. پس نظریه سابق مرحوم خویی که تمام راویان موجود در سلسله اسناد کامل الزیارات ثقه هستند، نمی تواند صحیح باشد. هر چند ایشان پس از آن به علت وجود نقض های زیاد، اعتبار شهادت ابن قولویه را انکار کرده و از نظریه خود برگشتند.

هر چند نقض های مرحوم خویی صحیح است اما اساسا عبارت مرحوم ابن قولویه به علت نبود ویژگی خاص سندی در کامل الزیارات، ظهور در توثیق تمام سلسله سند ندارد و اگر عبارت کامل الزیارات ناظر به توثیق باشد، توثیق مشایخ مستقیم یا صاحب کتبی است که روایات از کتب آنها اخذ شده است.

همانگونه که بیان شد: درباره کافی نیز شبیه همین بیان جریان دارد زیرا اسناد کافی ویژگی خاص سندی نسبت به روایات کتب جامع نگار ندارد و به همین دلیل نمی توان کل روایات کافی را به قرینه شهادت کلینی به صحت سندی روایات کافی، تصحیح اسنادی کرد هر چند شهادت کلینی به تصحیح کل روایات کافی به قرائن خارجیه می تواند صحیح باشد اما در این صورت این شهادت اجتهادی بوده و دیگر اعتباری ندارد.

این کلام حتی مطابق با دید موسّع مختار که توثیق راویان تضعیف شده ای مانند محمد بن سنان، قابل بیان است. زیرا با توجه تفاوت نداشتن میزان راویان ثقه در اسناد کافی نسبت به کتب دیگر، شهادت مرحوم کلینی به صحت روایات کافی از چند حال خارج نیست.

یا شهادت به تصحیح روایات کافی و لو به قرائن خارجیه می دهد که این شهادت، شهادتی حدسی بوده و اعتباری ندارد.

یا شهادت به تصحیح سندی روایات کافی می دهد که با توجه به تعداد زیاد روایات راویان تضعیف شده توسط ائمه رجال در کافی، شیوه کلینی در تصحیح راویان با متعارف متفاوت است و باز شهادت به توثیق تمام راویان کافی برای ما اعتباری نخواهد داشت.

## نگاه به متون در پالایش حدیث

پالایش حدیث نیز به نظر می رسد سندی نبوده و با توجه به متن است. از کتاب توحید صدوق برداشت می شود، روایاتی که مضمون جبر داشته را مرحوم شیخ صدوق به توحید منتقل نکرده است که این پالایش، پالایشی متنی است نه سندی. اصل بحث پالایش حدیث و حذف برخی از روایات در موارد متعددی تأثیر گذار است اما باید دید نحوه پالایش و میزان پالایش به چه حد بوده است؟

بحث حاضر ناظر به بحث کلی پالایش حدیث نیست و تنها درباره محمد بن خالد و مشایخ او و واسطه بین او و ابن مسکان، بحث می کنیم. هر چند بعید نیست تطبیق همین روش درباره راویان دیگر نیز همین نتیجه را ایجاد کند.

در نتیجه، درصد روایات محمد بن خالد برقی از راویان ضعیف که در محاسن بوده با روایات موجود، تفاوت جدی ندارد و عامل حذف برخی از روایات، اختصاص به روایات ضعیف نداشته و گزینش درباره متن بوده است.

تصور بدون آمار دقیق و استدلال برهانی داشتن این است که شبیه این کار درباره راویان دیگر نیز قابل تطبیق است و نتیجه عام وجود دارد اما بحث حاضر تنها درباره محمد بن خالد است و به همین دلیل می توان روایات ابن مسکان را تصحیح کرد.

1. در محاسن گاه با تعبیر عن ابی عبد الله آمده است که میزان این تعبیر به حدی کم است که در بحث ما تأثیری ندارد. هم چنین امکان دارد موارد اندکی از آمار گیری خارج شده باشد. [↑](#footnote-ref-1)